

## اقسام حدیث از جنبه دلالت الفاظ در منابع فریقین

\*عبدالله‌ادی فقهی‌زاده\*

\*\*مرتضی قاسمی حامد\*\*

**چکیده:** با تأمل در روایات معصومان علیهم السلام و تصریحات دانشمندان اسلامی، می‌توان حدیث را به گونه‌های: عام و خاص؛ مطلق و مقید؛ مجمل و مبین؛ ناسخ و منسوخ؛ محکم و متشابه؛ منطوق و مفهوم؛ نص، ظاهر و مؤول تقسیم کرد. از این میان، سه قسم عام و خاص، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه به احادیثی از معصومان علیهم السلام استناد دارند و سایر اقسام را محققان فریقین با تفحص در انواع احادیث ارائه کرده‌اند. افرون بر اینها اقسام دیگری نیز از احادیث مانند احادیث تقویه‌ای و روایاتی مشتمل بر معانی غیرحقیقی وجود دارند که جدا کردن آنها از سایر روایات، از جنبه «دلالت» نیست؛ زیرا در برابر آنها احادیث صریح دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد مراد معصومان علیهم السلام چیز

---

\*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران.

Email: Feghhizadeh@gmail.com

\*\*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی تهران

Email: Mor.ghasemihamed@gmail.com



## طرح مسئله

دیگری غیر از ظاهر آنهاست و از این‌رو، ما آنها را در این تقسیم‌بندی نهاده‌ایم:

**کلیدواژه‌ها:** عام و خاص / مطلق و مقید / مجمل و مبین / ناسخ و منسخ / محکم و متشابه / منطق و مفهوم / نص، ظاهر و مؤول / دلالت الفاظ و منابع فریقین.

در دوره متقدمان، تنها برخی مؤلفان کتب حدیثی، به اقسام حدیث از جنبه دلالت الفاظ، اشاره‌هایی دارند. در دوره‌های بعد، در برخی کتابهای مصطلح الحدیث، اندکی بیشتر به آن پرداخته شده است. اماً امروزه مؤلفان معاصر نسبت به شناسایی اقسام حدیث از جنبه دلالت کاوش‌هایی کرده‌اند. این کاوشها در میان شیعیان بیشتر از اهل سنت بوده است. اهل سنت تنها دو قسم از اقسام حدیث از جنبه دلالت را یعنی محکم و ناسخ و منسخ معرفی کرده و متعرض حدیث متشابه که در مقابل حدیث محکم قرار دارد نیز نشده‌اند. در مقابل شیعیان براساس احادیثی از امام علی، امام صادق و امام رضا<sup>علیهم السلام</sup> درباره وجود عام و خاص، محکم و متشابه و ناسخ و منسخ در روایات، عملاً به شناسایی انواع احادیث از نظر دلالت سوق داده شده‌اند. در میان اهل سنت نیز در تأیید وجود ناسخ و منسخ در روایات، حدیثی نبوی نقل شده که در مقابل تعدد روایات شیعه در این زمینه نادر است. در شیعه این بررسیها از زمانی شروع شد که موضوع تعارض بین احادیث مطرح گردید و بسیاری از مسلمانان در شناسایی احادیث صحیح دچار مشکل شدند. از این‌رو، بزرگانی مانند شیخ طوسی برای حل این مشکل اقدام نمودند و مشخص کردند که بسیاری از تعارضها ظاهري و به دلیل اقتضائات زبان عربی است و بر این اساس، برای فهم صحیح آنها باید این‌گونه احادیث را شناخت. در عین حال، احادیث تقویه‌ای و روایات مشتمل بر مفاهیم مجازی، در زمرة اقسام حدیث از



نظر دلالت نیستند؛ زیرا احادیث تقهیه‌ای در مقابل احادیث غیرتقهیه‌ای قرار می‌گیرند و کنار گذاشته می‌شوند؛ چنان‌که در مقابل احادیث وارد بر سبیل مجاز احادیثی صریح وجود دارد که ما را از عمل آنها بازمی‌دارد. این‌گونه احادیث در زمرة احادیث متعارض قرار دارند و از این‌رو، به فهم حدیث از جنبه دلالت مربوط نمی‌شوند. به هرحال، در مقاله حاضر اقسامی از احادیث مورد بررسی قرار می‌گیرند که به اقتضای زبان عربی و برخی مسائل مربوط به تشریع در متن آنها دگرگونی‌هایی پدید آمده و در آنها در زمانها و مکانهای گوناگون به اشکال متفاوت سخن رفته است؛ بنابراین ضمن بر شمردن مهم‌ترین انواع حدیث از جنبه دلالت براساس منابع فرقین، بر آنیم شاخصه‌های هر کدام را همراه با نمونه‌هایی از آنها بیان کنیم.

## اقسام حدیث از جنبه دلالت الفاظ

### ۱. عام و خاص

عام لفظی است که کلیه افراد و مصاديق قابل انطباق خود را شامل می‌شود و خاص برخلاف عام لفظی است که فقط بعضی از افراد و مصاديق قابل انطباق خود را دربر می‌گیرد (نک: کاظمی خراسانی، ج ۲، ص ۵۱۱؛ آخوند خراسانی، ص ۲۱۷ - ۲۱۵؛ منتظری، ص ۳۱۶؛ بروجردی، ص ۱۵۷؛ دلبری، ص ۲۱۴ و ۲۱۵) یعنی دلیل خاص قوی‌تر است و موجب می‌شود دلیل عام را کنار بگذاریم و صرفاً به آن عمل کنیم. (نک: مشکینی، ص ۲۳۴) مخصوص عبارت از قید، صفت یا عبارتی است که دایره شمول عام را محدود می‌سازد (محقق داماد، ج ۱، ص ۱۳۷).

سلیمان بن قیس هلالی نقل می‌کند که به امام علی عرض کرد: «إِنِّي سمعت من سلمان و المقداد و أبي ذرٍ شيئاً من تفسير القرآن و أحاديث عن نبِيِ الله عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ غير ما في أيدي الناس، ثم سمعت منك تصديق ما سمعت منهم

ورأيت في أيدي الناس أشياء كثيرة من تفسير القرآن و من الأحاديث عن  
نبي الله ﷺ أنتم تخالفونهم فيها و تزعمون أن ذلك كله باطل. أفترى الناس  
يكذبون على رسول الله ﷺ متعمدين و يفسرون القرآن بما رأيتم؟ قال فأقبل  
عليّ فقال: «قد سألت ففهم الجواب: إن في أيدي الناس حقاً وباطلاً و  
صدقأً وكذباً و ناسخاً و منسوحاً عاماً و خاصاً و محكماً و متشابهاً و حفظاً  
و وهماً...» (كليني، ج ١، ص ٦٢؛ شريف رضي، خطبه ٢١٠)

من از سلمان و مقداد و ابوذر مطالبی در تفسیر قرآن و احادیث پیامبر  
شنیدم غیر از آنچه در دست مردم است؛ سپس از شما چیزی را شنیدم که  
آنچه را از آنان شنیده بودم تصدیق می کرد؛ چنان که دیدم در دست مردم  
چیزهای زیادی از تفسیر قرآن و احادیث پیامبر را که شما با آنها مخالفت  
می کنید و آنها را باطل می شمارید؛ آیا مردم به عدم بررسی خدا دروغ  
بسته‌اند و قرآن را به آراء خودشان تفسیر کرده‌اند؟ امام علی علیه السلام به من رو  
کرد و فرمود: سؤال کردی پس جواب آن را دریاب؛ همانا در دست مردم  
حق و باطل، راست و دروغ، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، محکم و  
متشابه و حفظ و وهم، وجود دارد ... .

### نمونه‌ای از احادیث عام و خاص

١. عن يحيى بن أبي العلاء، عن أبي عبد الله علیه السلام قال:

«الصائم في السفر في شهر رمضان كالفطر فيه في الحضر ...» (كليني، ج ٤،

ص ١٢٧)

روزه‌دار در سفر در ماه رمضان مانند افطار کننده در آن است در حالت  
استقرار.

٢. محمد بن مسلم عن أبي عبد الله علیه السلام قال:

«إذا سافر الرجل في شهر رمضان فخرج بعد نصف النهار فعليه صيام ذلك

اليوم» (همو، ج ٤، ص ١٣١)



هرگاه کسی در ماه رمضان مسافرت کند و بعد از ظهر خارج شود، بر او روزه آن روز واجب است.

حدیث دوم بر حرمت افطار و وجوب روزه بر مسافری که بعد از ظهر از وطن خارج شده، دلالت دارد و حدیث اول را تخصیص زده است. (نک: احسانی فرنگرودی، ص ۱۷۳) بنابراین حدیث اول به طور عام روزه را بر شخص مسافر حرام می‌کند؛ حال آنکه حدیث دوم مسافری را که بعد از ظهر سفر کند از این عام خارج کرده است.

## ۲. مطلق و مقید

مطلق لفظی است که قابلیت دلالت بر تمامی افراد جنس خود را داشته باشد؛ یعنی افرادی که می‌توانند تحت آن لفظ قرار گیرند و معنای آن نسبت به همه حالت‌های لفظ فراگیر است و مقید لفظی است که این اطلاق را محدود کند. (نک: کاظمی خراسانی، ج ۲، ص ۵۶۳؛ آخوند خراسانی، ص ۲۴۳؛ مشکینی، ص ۲۴۶؛ احسانی فرنگرودی، ص ۱۸۴؛ دلبری، ص ۲۱۶ و ۲۱۷) تفاوت عام و مطلق نیز در آن است که دلالت عام بر افراد، بالوضع است ولی دلالت مطلق بر افراد و مصاديقش نه بالوضع، بلکه بالعقل است؛ یعنی در عام با توجه به ساختمان جمله، لفظ و ادوات ملفوظ، شمول و سرایت به افراد و مصاديق تحت عام استنباط می‌شود؛ مانند: «همه علماء را احترام کنید» ولی در اطلاق این‌گونه نیست؛ مانند: «عالی را احترام کنید» که در آن هیچ‌گونه لفظی از ادوات عموم وجود ندارد. (محقق داماد، ج ۱، ص ۱۷۱) در عین حال، برای احراز مطلق، باید شرایطی فراهم باشد که شنونده در صورت اجتماع آن شرایط در ذهن، از لفظ اطلاق را برداشت می‌کند. این شرایط را مقدمات حکمت گویند و عبارتند از آنکه: ۱- گوینده حکیم باشد؛ ۲- گوینده در مقام بیان باشد؛ ۳- قرینه‌ای دال بر تقييد وجود نداشته باشد. (نک: همو، ج ۱، ص ۱۷۵- ۱۷۲) نکته دیگر آنکه حمل مطلق بر مقید تنها زمانی انجام می‌شود که میان آن دو، به گونه‌ای تنافی و ناسازگاری باشد. (همو، ج ۱، ص ۱۷۸)

### نمونه‌ای از احادیث مطلق و مقید

۱. «إِيّاكُمْ وَكُثُرَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يَكْثُرُ الْزَّلَلَ وَيُورِثُ الْمُلَلَ» (تمیمی آمدی،

ص ۲۱۲)

از پرگویی بپرهیز؛ زیرا الغرش را زیاد می‌کند و خستگی به بار می‌آورد.

۲. عن عمرو بن جبیع عن ابی عبدالله علیہ السلام قال: کان المیسیح علیہ السلام یقول: «لا تکثروا فی غیر ذکر الله فإِنَّ الظِّنَنَ يَكْثُرُونَ الْكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللهِ قَاسِيَةً قَلْوَبُهُمْ وَلَكُنْ لَا يَعْلَمُونَ» (کلینی، ج ۲، ص ۱۱۴)

جز در ذکر خدا پرگویی نکنید؛ زیرا کسانی که در غیر ذکر خدا پرگویی می‌کنند قلبها یشان سخت است ولی خود نمی‌دانند.

حدیث اول از پرگویی به طور مطلق منع می‌کند، ولی حدیث دوم حدیث اول را قید زده، پرگویی در ذکر خدا را از دایرة اطلاع خارج کرده است.

### ۳. مجمل و مبین

مجمل لفظی است که دلالت آن بر مقصود، ظاهر و روشن نیست و بر معنایی که برای آن وضع شده دلالت ندارد. (نک: آخوند خراسانی، ص ۲۵۲؛ استرآبادی، ص ۴۵۴؛ مامقانی، ج ۱، ص ۳۱۷) اگرچه ممکن است در گذشته یا نزد گروهی خاص روشن بوده باشد. (نک: مشکینی، ص ۲۳۳) دلالت مبین برخلاف مجمل بر مقصود گوینده واضح و روشن است (نک: آخوند خراسانی، ص ۲۵۲؛ استرآبادی، ص ۴۵۴؛ مامقانی، ج ۱، ص ۳۱۸؛ مشکینی، ص ۲۳۳) مبین را مفصل نیز گفته‌اند. مبین، مجمل را از ابهام خارج می‌کند و معنای آن را روشن می‌سازد؛ چنان‌که اجمال و تبیین در کلام شخصی واحد ممکن است رخ دهد. (نک: محقق داماد، ج ۱، ص ۱۸۳؛ دلبری، ص ۲۱۹)

علل اجمال در روایات در یک دسته‌بندی کلی دو گونه‌اند: علل ذاتی یا طبیعی و علل عرضی یا عارضی. علل ذاتی یا طبیعی عللی است که ریشه در خود روایات دارد و از خارج روایات بر آنها عارض نشده باشد، مانند: اشتراک لفظی و اختلاف



افهام مخاطبان، و مقصود از علل عرضی یا عارضی علی است که ریشه‌ای در روایات ندارد، بلکه در شرایطی این علل از خارج از روایات بر آنها تحمیل و به اجمال آنها منجر شده‌اند، مانند: نقل به معنی در حدیث و تقطیع نامناسب حدیث. (نک: معارف، ص ۶۵ - ۴۶)

### نمونه‌ای از احادیث مجمل و مبین

۱. عن عبد الحمید بن ابی العلاء الازدی قال: «سمعت ابا عبدالله علیہ السلام يقول: «ان الله عزوجل فرض على خلقه خمساً فرخص في اربع ولم يرخص في واحدة» (کلینی، ج ۲، ص ۲۲)

خداوند عزوجل پنج امر را برابر مخلوقات واجب کرد، در چهار مورد رخصت داد و در یک مورد رخصت نداد.

۲. عن ابی جعفر [الباقر] علیہ السلام قال: «بني الاسلام على خمس: على الصلوة والزكوة والصوم والحج و الولایة، ولم يناد بشيء كما نودى بالولایة» (همو،

ج ۲، ص ۱۸)

اسلام بر پنج رکن بنا شده است: برنمازو زکات و روزه و حج و ولایت. و به چیزی همچون ولایت فرانخوانده‌اند.

بر این اساس، معلوم می‌شود که واجبات پنج گانه عبارتند از: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت؛ چنان‌که مطابق احادیث فوق هیچ امری در شریعت مانند ولایت توصیه نشده و شارع در بی‌اعتنایی به ولایت هرگز رخصتی قائل نشده است. (نک: فتاحی‌زاده، ص ۱۶۲ و ۱۶۳) بنابراین حدیث دوم با وجود قدمت زمانی نسبت به حدیث اول، مبین به شمار می‌رود و اجمال حدیث اول را برطرف می‌کند؛ زیرا مراد امام را از پنج مورد بیان و مورد رخصت را مشخص می‌کند.

### ۴. ناسخ و منسوخ

نسخ عبارت است از رفع حکم شرعی سابق با تشریع حکم متأخر؛ حکم متأخر



راناسخ و حکم سابق را منسوخ گویند. (نک: شهید ثانی، ص ۲۷؛ مامقانی، ج ۱، ص ۲۷۵ - ۲۷۷؛ ابن صلاح، ص ۳۸۱؛ صحی صالح، ص ۸۸؛ عتر، ص ۳۲۵) به عبارت دیگر نسخ به معنای تخصیص زمانی است؛ یعنی امر ثابتی در شریعت مقدس با گذشت دوره و زمان خاص خود رفع می‌شود و حکم جدیدی جای آن را می‌گیرد. در این حالت، حکم شرعی اول بر حسب ظاهر اقتضای دوام دارد، ولی حکم متأخر پرده از انتهای دوره و زمان اعتبار آن بر می‌دارد و ظهور بدوى حکم سابق در جاودانگی را از میان می‌برد. (نک: خوبی، ج ۵، ص ۳۲۸؛ عسکری، ج ۲، ص ۲۸۴؛ احسانی فرنگردی، ص ۲۵۶؛ مسعودی، ص ۱۹۶) طبیعی است که وقوع نسخ صرفاً در زمانی است که دو امر (ناسخ و منسوخ) را به هیچ روی نتوان باهم جمع کرد. (نک: معرفت، ج ۲، ص ۲۶۷)

در تأیید وقوع نسخ حدیث با حدیث، احادیثی وجود دارد؛ از جمله:

۱. از پیامبر اکرم ﷺ نقل است که فرمود: «إِنَّ الْحَدِيثَ يَنْسَخُ بَعْضَهَا بَعْضًا كَنْسَخَ الْقُرْآنَ» (ابن شاهین، ص ۳۵؛ بعضی از احادیث من بعضی دیگر را نسخ می‌کند؛ [درست] مانند نسخ قرآن).

۲. محمد بن مسلم عن ابی عبد الله علیہ السلام قال:

قلت له: ما بال اقوام يروون عن فلان و فلان عن رسول الله ﷺ لا يهمنون بالكذب فيجيء منكم خلافه به. قال: «إِنَّ الْحَدِيثَ يَنْسَخُ كَمَا يَنْسَخُ الْقُرْآنَ»  
(کلینی، ج ۱، ص ۶۴)

محمد بن مسلم می‌گوید به امام صادق علیہ السلام عرض کردم: چگونه است که اقوامی احادیثی را از فلان و فلان از رسول الله علیہ السلام نقل می‌کنند در حالی که متهم به کذب نیستند و از شما خلاف آن می‌رسد، فرمود: حدیث نیز مانند آیه نسخ می‌گردد.<sup>۱</sup>

با این همه، مثالهای قابل اثبات در نسخ بسیار اندک است و مواردی را که در آنها

۱. از منصورین حزم نیز مشابه این روایت نقل شده است. (نک: کلینی، ج ۱، ص ۶۵). دو حدیث امام علی علیہ السلام که در بخش عام و خاص ذکر شد نیز تأیید کننده وجود نسخ در روایات هستند.



ادعای نسخ شده، بیشتر فقهای شیعه نپذیرفته‌اند (مسعودی، ص ۱۹۷)؛ زیرا تا آنجا که امکان جمع بین دو روایت وجود دارد، قول به نسخ صحیح نیست؛ نکته دیگر آنکه علمای شیعه در مواردی وجود نسخ را در احادیث پیامبر ﷺ پذیرفته‌اند، اما در احادیث ائمه علیهم السلام، موارد آن چندان قابل اثبات نیست؛ زیرا احادیث ائمه علیهم السلام را کاشف از وقوع نسخ در احادیث پیامبر اکرم ﷺ برمی‌شمارند.<sup>۱</sup> (نک: کلاتری، ص ۵۱)

(۳۸)

### نمونه‌هایی از احادیث ناسخ و منسوخ

۱. محمد بن مسلم عن ابی عبدالله علیہ السلام قال: سأله عن إخراج لحوم الأضاحى من مني، فقال: «كُنّا نقول لا يخرج منها شيء لحاجة الناس اليه، فأمّااليوم

فقد كثُر النّاس فلا بأس بإخراجه» (کلینی، ج ۴، ص ۵۰۰)

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام صادق علیہ السلام درباره خارج کردن گوشتهای قربانی از منی پرسیدم، فرمود: قبلاً می‌گفتیم که چیزی از آنها به سبب نیاز مردم به آن، خارج نشود؛ اما امروز که مردم زیاد شده‌اند، اشکالی در خارج کردن آنها نیست.

۲. قال رسول الله ﷺ: «نَهِيَّتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَزُورُوهَا...» (مسلم، ج ۳،

ص ۶۵)

شما را از زیارت قبرها منع کردم [اما اکنون] آنها را زیارت کنید ...

این دو حدیث، از وجود حکمی در سابق و نسخ آن در مقطع زمانی دیگر خبر می‌دهند. (مسعودی، ص ۱۹۷) جهت اطلاع از نمونه‌های دیگر نک: مسلم، ج ۳، ص ۶۵؛ ابی داود، ج ۱، ص ۹۸، ۷۲۲ و ۷۲۳؛ ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۳۷؛ سیوطی، تدریب الروای فی شرح تقریب السنوی، ج

۱. می‌توان گفت که رابطه نسخ بین دو حدیث با شرایطی همراه است که اهم آن از این قرار است: الف) تعارض دو حدیث در حدی باشد که راهی به جمع آنها در دست نباشد. ب) صدور هر دو حدیث از مucchom علیہ السلام گردد. ج) تقدّم زمانی صدور منسوخ بر حدیث ناسخ، معلوم و توأم با اطمینان باشد. (معارف، ص ۲۲۶ و ۲۲۷)



(۱۹۲، ص ۲)

## ۵. محکم و متشابه

حدیث بدون معارض را که معنای راجحی داشته باشد و در آن احتمال دیگری نرود، محکم گویند. (نک: نیشابوری، ص ۱۲۹؛ عتر، ص ۳۴۱؛ مامقانی، ج ۱، ص ۲۸۴) در مقابل به حدیثی که مقصود آن به دلیل مشابهت با غیر خود، مشکل است، متشابه گویند؛ یعنی علاوه بر معنای ظاهری احتمال معنای دیگری در آن وجود دارد و در این میان وجه راجحی نیست. (نک: مامقانی، ج ۱، ص ۲۸۴؛ احسانی فرنگورودی، ص ۲۷۴) نکته مهم آنکه علمای اهل سنت، از حدیث متشابه که در مقابل حدیث محکم قرار دارد، تعریفی ارائه نکرده‌اند. (نک: نیشابوری، ص ۱۲۹؛ عتر، ص ۳۴۱)

در روایات معصومان علیهم السلام، درباره روایات متشابه، دو نکته وجود دارد: ۱- تذکر به تأویل پذیری روایات خصوصاً روایات متشابه و تنبه به سوء استفاده احتمالی از معانی انحرافی آنها ۲- ضرورت ارجاع احادیث متشابه به احادیث محکم؛ زیرا احادیث محکم اساس تعالیم پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام را تشکیل می‌دهند. (نک: معارف،

ص ۵۰)

از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

«من ردّ متشابه القرآن الى محکمه هدی الى صراط مستقیم» ثم قال: «إنّ فی  
اخبارنا متشابهًا كمتشابه القرآن، و محکماً كمحکم القرآن فردوا متشابهها  
إلى محکمها و لا تتبعوا متشابهها دون محکمها فتضلّوا» (ابن بابویه، عیون

أخبارالرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۰)

هر کس متشابه قرآن را به سوی محکم آن برگرداند، به صراط مستقیم هدایت شده است؛ سپس فرمود: در اخبار ما متشابه وجود دارد مانند متشابه قرآن و محکم وجود دارد مانند محکم قرآن؛ پس متشابه آن را به محکم آن برگردانید و از حدیث متشابه بدون توجه به محکم آن، پیروی

مکنید.<sup>۱</sup>

### نمونه‌هایی از احادیث محکم و متشابه



۱. قال الصادق علیه السلام: «کل ماء ظاهر الا ما علمت أنه قذر». (همان، ج ۱، ص ۵)

هر آبی پاک است مگر آنچه خود بدانی نجس است.

این حدیث محکم است، چون تنها یک معنا از آن برداشت می‌شود و محتمل معنای دیگر نیست.

۲. قال الصادق علیه السلام: «الماء يظہر و لا يطہر» (همان؛ مجلسی، مرآة العقول فی

شرح اخبار آل الرسول، ج ۱۳، ص ۴)

آب پاک می‌کند و پاک نمی‌شود.

این حدیث متشابه است، چون علاوه بر معنای ظاهری احتمال معنای دیگری نیز در آن وجود دارد. (نک: رباني، ص ۱۴۰)

۳. عن أبي المليح عن أبيه قال رسول الله علیه السلام: «لاتقبل صلاة بغیر ظهور و

لا صدقة من غلول» (نسائي، ج ۱، ص ۸۰)

نماز در غیر پاکی و صدقه از روی بدخواهی پذیرفته نمی‌شوند.

این حدیث به گفته اهل سنت، حدیث محکمی است و معارضی ندارد (نک: نیشابوری، ص ۱۲۹؛ عتر، ص ۳۴۱)، اما آنها در مقابل این حدیث، از حدیث متشابهی نام نبرده‌اند.

### ۶. منطق و مفهوم

منطق، مدلولی است که از الفاظ صریح متن به دست می‌آید و مفهوم، مدلولی که در کلام نیست و از آن استنباط می‌شود. (نک: کاظمی خراسانی، ج ۲، ص ۴۵۶ به بعد؛ آخوند خراسانی، ص ۱۹۳ به بعد؛ محقق داماد، ج ۱، ص ۱۱۵) غالب روایات هم منطق دارند و

۱. دو حدیث امام علی علیه السلام که در بخش عام و خاص ذکر شد، نیز می‌توانند تأیید کننده وجود محکم و متشابه در احادیث باشند.



هم مفهوم؛ در مقابل دسته کمی از روایات هستند که مفهوم ندارند؛ یعنی «مفهوم» آنها معتبر نیست و نباید به آنها عمل کرد.<sup>۱</sup>

### نمونه‌هایی از احادیث منطق و مفهوم

۱. قال رسول الله ﷺ: «کل شیء یجتر فسورة حلال و لعابه حلال»

(مجلسی، لوامع صاحبقرانی، ج ۱، ص ۲۱۷)

هر حیوانی که نشخوار کند، بازمانده نشخوارش حلال است و آب دهانش نیز حلال.

مجلسی اول بعد از ذکر این حدیث می‌گوید: «وشکی نیست در منطق حدیث، اما مفهوم حدیث دلالت می‌کند که هر حیوانی که نشخوار نکند سؤرش حلال نیست، و لعابش حلال نیست، و به این مفهوم عمل کرده‌اند بعضی از علماء، و این قول ضعیف است زیرا که دلالت مفهوم، ضعیف است خصوصاً مفهوم صفت<sup>۲</sup>...».

(همو، ج ۱، ص ۲۱۸ و ۲۱۷)

۲. وقد روی في الجبار عن أبي عبدالله صلوات الله عليه آله قال: «يغسل ما

حو لها» (همو، ج ۱، ص ۴۳۰)

از امام جعفر صادق علیه السلام مตقول است در مورد پارچه‌ای که بر روی زخم نهند، که [ایه هنگام وضو] اطراف آن را باید شست.

مجلسی اول بعد از ذکر این حدیث می‌گوید: «... ولیکن در احادیث حسنہ کالصحیح از آن حضرت صلوات الله علیه وارد است که مسح بر خرقه بکشد. و میان این دو حکم منافاتی نیست مگر من حيث المفهوم، چون در جواب همین را

۱. مفهوم به دو شرط حجت است: ۱) آنچه یاد شده به صورت غالب نباشد ۲) موافق واقع نباشد (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۹).

۲. مفهوم صفت، نعمت یا حال یا ظرف یا تمییز است (همان)؛ یعنی مفهوم صفت اعم از نعمت و غیر نعمت است (مظفر، ج ۱، ص ۱۲۰). باید توجه داشت که صفت زمانی دارای مفهوم است که قرینه خاصی بر مفهوم باشد و اگر قرینه نباشد، مفهوم ندارد. (همو، ج ۱، ص ۱۲۱)



فرمودند. اگر مسح بر خرقه در کار می‌بود البته می‌فرمودند، ولیکن منطق مقدم است بر مفهوم وهیچ شک نیست که احوط مسح کشیدن است». (همو، ج ۱، ص ۴۳۰ و ۴۳۱)

## ۷. نص، ظاهر و مؤول

نص لفظی است که دلالتش بر مقصود راجح و صریح است و معارض قوی یا مثل خود نداشته باشد (استرآبادی، ص ۴۵۴) و معنای دیگری از آن افاده نشود. ظاهر لفظی است که دلالتش بر معنا ظنی و راجح باشد و احتمال معنای دیگری نیز در آن وجود دارد (نک: مامقانی، ج ۱، ص ۳۱۶ و ۳۱۷؛ مشکینی، ص ۲۲۳) و مؤول<sup>۱</sup> لفظی است که به دلیل عقلی یا نقلی بر معنای مرجوح آن حمل می‌شود. (نک: مامقانی، ج ۱، ص ۳۱۷) به عبارت دیگر مؤول لفظی است که ظاهرش مخالف دلیل قطعی و مثل آن است، لذا از ظاهر خود به معنای دیگر انصراف می‌یابد. (استرآبادی، ص ۴۵۴)

### نمونه‌هایی از احادیث نص، ظاهر و مؤول

۱. عن محمد بن مسلم قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: «إِنَّ الْغَلامَ إِذَا حَضَرَهُ الْمَوْتُ فَأُوْصِيَ وَلَمْ يَدْرِكْ جَازِتْ وَصِيتَهُ لِذُو الْأَرْحَامِ وَ...» (کلینی، ج ۷، ص ۲۸)

اگر پسر غیر بالغ مرگش فرا رسید و وصیت کند، وصیت‌ش نسبت به خویشاوندانش جایز است و ... .

۲. عن ربعی بن عبد الله عن ابی عبد الله علیه السلام قال: «إِذَا ماتَ الرَّجُلُ فَلَلَّا كَبَرَ مِنْ وَلَدِهِ سِيفَهُ وَمَصْحَفَهُ وَخَاتَمَهُ وَدَرْعَهُ» (همو، ج ۷، ص ۸۶)

۱. واژه «تاویل» از «اول» است؛ یعنی رجوع به اصل ... . «تاویل» رساندن چیزی به سوی مقصودی است که چه از راه علم و چه از راه عمل اراده شده است (راغب اصفهانی، ص ۹۹؛ «مؤول» نیز از همین ریشه و همان واژه‌ای است که تاویل در آن رخداده است و تقصیر کرده است که آن را در اول وقت بجا یاورده است پس قضا می‌کند آن رکعت را در ضمن سه رکعت والله تعالیٰ یعلم» (همان).

## نتایج

هنگامی که شخصی بمیرد، پس شمشیر و کتاب و انگشت و رداش متعلق به پسر بزرگش است.

این دو روایت نصّ در مقصود هستند؛ چراکه احتمال دیگری در آنها وجود ندارد.

**۳. عن الحبی عن ابی عبد الله علیہ السلام فی حدیث قال: «... فَإِنْ جَاءَهَا طَالِبٌ وَالا**

فهی کسبیل ماله» (حرّ عاملی، ج ۱۷، ص ۳۴۹) ... پس اگر طالب آن مال آمد، برگردانده می‌شود و در غیر این صورت در ملک شخص یابنده قرار می‌گیرد.

این روایت نصّ در مقصود نیست، بلکه ظاهر در مقصود است و احتمال دیگری نیز در آن وجود دارد. (ربانی، ص ۱۴۸)

**۴. «فَانْ صَلَتِ الْمَرْأَةُ مِنَ الظَّهَرِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ رَأَتِ الدَّمَ قَامَتْ مِنْ مَجْلِسِهَا وَلَيْسَ عَلَيْهَا أَذْنُ طَهْرٍ تَقْضَى رَكْعَتَيْنِ ...»** (مجلسی، لوامع صالح‌قرانی، ج ۱، ص ۶۴۳)

اگر زن دو رکعت نماز ظهر بگزارد و خون حیض بیاید، [باید] برخیزد از آنجا و وقتی پاک شود قضای این دو رکعت بر او لازم نیست .... مجلسی اول می‌گوید: «اکثر علماء به این حدیث عمل نکرده‌اند و تأویل کرده‌اند که این در صورتی است که نماز ظهر را در اول وقت بجا آورده باشد و هرگاه در اثنا خون ببیند کاشف می‌آید که نماز ظهر بر او واجب نبوده است و نماز شام را بعد از گذشتن مقدار یک رکعت شروع کرده باشد کاشف آید که مقدار سه رکعت داشته است.»

۱. در منابع فریقین، هفت قسم حدیث از جنبه دلالت وجود دارند که عبارتند از: عام و خاص؛ مطلق و مقید؛ مجمل و مبین؛ ناسخ و منسوخ؛ محکم و متشابه؛

- منطق و مفهوم؛ نص، ظاهر و مؤول.
۲. اقسام حدیث از جنبه دلالت، بنا به اقتضایات زبان عربی در احادیث به وجود آمده‌اند و از دایرۀ تعارض اخبار خارجند؛ به جزو نسخ که علت آن در صورت اثبات، برخی مسائل تشریعی است.
۳. خاص در جهت تبیین عام، مقید در جهت تبیین مطلق، مبین در جهت تبیین محمل و محکم در جهت تبیین متشابه قرار دارد؛ حال آنکه ناسخ در جهت کنار گذاشتن منسوخ حرکت می‌کند؛ چنان‌که دیگر نباید به حدیث منسوخ عمل کرد و حدیث ناسخ در حقیقت، جایگزین حدیث منسوخ می‌گردد؛ با این همه منطق و مفهوم در یک روایت مصدق می‌یابند در عین آنکه روایاتی وجود دارند که «مفهوم» ندارند، اما سه اصطلاح نص، ظاهر و مؤول حالات گوناگون ظهور معنا از روایاتند و به صورت مستقل مطرحند و باید به وسیلهٔ قرائت به نص، ظاهر یا مؤول بودن حدیث پی‌برد و این سه اصطلاح مبین یکدیگر نیستند.
۴. در منابع حدیث شیعه، در تأیید وجود عام و خاص، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه در احادیث، روایاتی از امام علی، امام صادق و امام رضا<sup>علیهم السلام</sup> نقل شده و در منابع حدیث اهل سنت نیز در تأیید وجود ناسخ و منسوخ روایتی از پیامبر اکرم<sup>علیه السلام</sup> نقل شده است؛ اما اقسام دیگر را دانشمندان فریقین با تفحص در انواع احادیث به دست آورده‌اند.
۵. علمای اهل سنت ضمن بیان وجود روایات محکم در منابع حدیثی، متعرّض روایات متشابه نشده‌اند؛ در عین حال، وقوع نسخ در روایات را پذیرفته‌اند و از این‌رو به معرفی روایات ناسخ و منسوخ نیز پرداخته‌اند؛ حال آنکه علمای شیعه با استفاده از روایات معصومان<sup>علیهم السلام</sup>، هر هفت قسم از احادیث از جنبه دلالت را معرفی کرده‌اند.

## منابع

١. آخوند خراسانی. **كتایف الاصول**. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ١٤٠٩ق.
٢. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمدبن علی بن حسین. **عيون اخبار الرضا**. تهران: نشر جهان، ١٣٧٨ق.
٣. —————— من لا يحضره الفقيه. تحقيق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤٢٦ق.
٤. ابن صلاح، ابی عمرو عثمان بن عبدالرحمن شهرزوری. **معرفة انواع علم الحديث**. تحقيق و تخریج احادیث و تعلیق: عبد اللطیف همیم و ماهر یاسین فحل، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤٢٣ق.
٥. ابن ماجه، ابی عبدالله محمدبن یزید قزوینی. **سنن ابن ماجه**. تحقيق و تعلیق: محمد فؤاد عبد الباقی، دارالکتاب المصری، قاهره؛ دارالکتاب اللبناني، بیروت.
٦. ابن شاهین، ابو حفص عمرین احمد. **الناسخ والمنسوخ من الحديث**. بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٢ق.
٧. ابی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی. **سنن ابی داود**. تحقيق: کمال یوسف حوت، بیروت: دارالجنان، ١٤٠٩ق.
٨. احسانی فرنگرودی، محمد. **أسباب اختلاف الحديث**. قم: دارالحدیث، ١٤٢٨ق.
٩. استربادی، محمد جعفر شریعتمدار. **لب الباب**. قم: مؤسسه دارالحدیث الثقافیة، چاپ شده ضمن مجموعه «میراث حدیث شیعه» در دفتر دوم، ١٣٧٨ش.
١٠. بروجردی، سید حسین. **تقریرات فی اصول الفقه**. تعریر اشتہاردی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١٧ق.
١١. تمیمی آمدی، عبدالواحد. **تصنیف غرالحکم و درالکلم**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ١٣٦٦ش.
١٢. حرّ عاملی. **وسائل الشیعه**. تحقيق و تصحیح و تذییل: محمد رازی، تعلیق: ابوالحسن شعرانی، بیروت: داراحیاء التراث العربي.
١٣. خویی، سید ابوالقاسم. **محاضرات فی اصول الفقه**. تعریر فیاض، قم: مؤسسه النشر الاسلامی،

۱۴۱۹ ق.

۱۴. دلبری، علی. مبانی رفع تعارض اخبار از دیدگاه شیخ طوسی رحمه الله در استبصار. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶ ش.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: الدار الشامیہ، ۱۴۱۶ ق.

۱۶. ربانی، محمدحسن. دانش درایة الحديث. همراه با نمونه‌های حدیثی و فقهی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰ ش.

۱۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. الانقان فی علوم القرآن. تحقیق: فؤاز احمد زمرلی، بیروت: دارالكتاب العربي، ۱۴۱۹ ق.

۱۸. —————. تدريب الرواى فی شرح تقریب التوادی. تحقیق: عبد الوهاب عبداللطیف، ریاض: مکتبة الرياض الحدیثیة.

۱۹. شریف رضی. نهج البلاغه. صبحی صالح، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۴۲۴ ق.

۲۰. شهید ثانی. الرعایة فی علم الدرایة. تحقیق: عبدالحسین محمدعلی بقال، قم: مکتبة آیت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ ق.

۲۱. صبحی صالح. علوم حدیث واصطلاحات آن. ترجمه و تحقیق: عادل نادرعلی، قم: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ ش.

۲۲. عتر، نورالدین. منهج النقد فی علوم الحديث. دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۸ ق.

۲۳. عسکری، سید مرتضی. القرآن الکریم و روایات المدرستین. بیروت: شرکة التوحید للنشر، ۱۴۱۷ ق.

۲۴. فتاحی زاده، فتحیه. مبانی و روشهای نقد حدیث در کتب اریعه. قم: دانشگاه قم، ۱۳۸۵ ش.

۲۵. کاظمی خراسانی، محمدعلی. فوائد الاصول. تحقیق: ضیاءالدین عراقی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۲۶. کلاتتری، علی‌اکبر. نسخ حدیث، امکان و محدوده آن. فصلنامه علوم حدیث، سال چهاردهم، شماره چهارم (۵۴)، زمستان ۱۳۸۸ ش.



۲۷. كلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق. **الكافی**. تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، بیروت: دارالصعب، دارالتعارف، ۱۴۰۱ ق.
۲۸. مامقانی، عبدالله. **مقباس الهدایه فی علم الدرایه**. تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت لایحاء التراث، ۱۴۱۱ ق.
۲۹. مجلسی، محمدباقر. **مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول**. اخراج و مقابلہ و تصحیح: سید جعفر حسینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ش.
۳۰. مجلسی، محمدتقی. **لوازم صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه**. قم: اسماعیلیان (دارالتفسیر)، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. محقق داماد، سید مصطفی. **مباحثی از اصول فقه**. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۳۲. مسعودی، عبدالهادی. **روش فهم حدیث**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۶ ش.
۳۳. مسلم، ابن حجاج قشیری نیشابوری. **الجامع الصحيح المسمی صحیح مسلم**. بیروت: دارالمعرفة.
۳۴. مشکینی، علی. **اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها**. قم: دفتر نشر الهادی، ۱۴۲۸ ق.
۳۵. مظفر، محمدرضا. **اصول الفقه**. قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۲۱ ق.
۳۶. معارف، مجید. **شناخت حدیث (مبانی فهم متن - اصول نقد سند)**. تهران: نبا، ۱۳۸۸ ش.
۳۷. معرفت، محمد هادی. **التمهید فی علوم القرآن**. قم: مؤسسه التمهید، ۱۴۲۸ ق.
۳۸. منتظری، حسینعلی. **نهاية الاصول**. قم: القدس.
۳۹. نسائی، ابی عبد الرحمن احمدبن شعیب. **السنن الکبری**. تحقیق: عبدالغفار سلیمان بنداری و سید کسری حسن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۴۰. نیشاپوری، ابی عبدالله محمدبن عبد الله. **کتاب معرفة علوم الحديث**. تصحیح و تعلیق و تحقیق: سید معظم حسین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۷ ق.